هو العلیم

اهمیت تدریس اخلاق و عرفان و فلسفه و تفسیر در حوزه‌های علمیّهٔ شیعه

حضرت علامه آیة اللَه حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی

روح مجرد، صفحه ۱۰۶

در حوزه‌های علمیّهٔ شیعه و معتزله، بحث حکمت و فلسفه دارج و رائج بود؛ به خلاف أشاعره که بحث در مطالب عقلیّه نمی‌کردند. فلهذا متکلّمین شیعه در طیّ بیش از هزار سال همیشه مظفّر و پیروز بوده‌اند و علماء و فقهائی را همچون هِشام بن حَکَم و سیّد مرتضی و شیخ مفید و خواجه نصیرالدّین طوسی و علاّمهٔ حلّی و میرداماد و ملاّ صدرای شیرازی و قاضی نوراللَه شوشتری و اخیراً سیّد مهدی بحرالعلوم و آخوند ملاّ محمّد کاظم خراسانی و حاج میرزا محمّد حسن آشتیانی و فرزندش حاج میرزا احمد آشتیانی و حاج میرزا مهدی آشتیانی و آخوند ملاّ حسینقلی همدانی و آقای آقا سیّد احمد کربلائی طهرانی و حاج میرزا محمّد حسین نائینی و حاج شیخ محمّد حسین آل کاشف الغطاء و حاج شیخ محمّد حسین اصفهانی کمپانی و حاج ملاّ مهدی نراقی و حاج میرزا محمّد حسن شیرازی و آقا شیخ محمّد باقر اصطهباناتی و آقا شیخ احمد شیرازی و حاج میرزا فتح اللَه مشهور به شیخ الشّریعة اصفهانی و حاج سیّد احمد خونساری و حاج شیخ محمّد علی شاه‌آبادی و شاگرد مبرّزش رهبر کبیر

فقید انقلاب اسلامی آیة اللَه حاج آقا روح اللَه خمینی و حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی و آقا سیّد حسین بادکوبه‌ای و شاگردانش استادنا الاکرم علاّمهٔ طباطبائی و برادرشان حاج سیّد محمّد حسن الهی تبریزی و غیرهم ممّا لایمکن حَصرُهم و عَدُّهم بیرون داده‌اند؛ و پاسدار و حافظ دین و قرآن و شریعت سیّد المرسلین و ائمّهٔ طاهرین بوده‌اند. روی این اساس، بحث تفسیری قرآن کریم و تدریس حکمت و فلسفه و علوم عقلیّه و حوزه‌های عرفان و اخلاق از لوازم لاتنفکّ این حوزه‌های فقهیّه به شمار می‌آمد.

شبی مرحوم آیة اللَه آقا سیّد عبدالهادی شیرازی در مجلس خلوت تأسّف میخورد که: چون من برای تحصیل وارد نجف اشرف شدم، دوازده حوزهٔ رسمی تدریس اخلاق و عرفان وجود داشت؛ و الآن یکی هم وجود ندارد.

باری این حوزه‌ها گرم ابحاث قرآنی و تفسیری و اخلاقی و عرفانی و حکمی و فلسفی بودند درست تا انقلاب مشروطیّت؛ در اینحال استعمار کافر سعی

کرد تا اوّلاً نجف را از پایگاه علمی و فقهی بودن بیندازد و حوزه‌ها را متفرّقاً به جاهای دیگر نقل دهد. و ثانیاً تدریس قرآن و تفسیر و علوم عقلیّه و فلسفیّه را از حوزه‌های شیعه براندازد تا علمای آنان را همچون اشاعره از عامّه و أخباریّون و حشویّون ظاهرگرا و بدون مغز و محتوا بنماید، تا در برابر آنان کسی نایستد و قیام نکند و قدرت بحث و تفکیر و مسائل عقلیّه و علمیّه در حوزه‌ها پائین آید. و با نقشه‌ها و دسیسه‌های مزوّرانه فائق شد؛ تا امروزه در نجف اشرف بحث تفسیر و قرآن و حکمت و فلسفه و عرفان بکلّی از بیخ ریشه کن شده است و علمای أعلام و فضلای عظام تدریس آنها را مایهٔ پستی و حقارت می‌دانند و ننگ تلقّی می‌کنند.

مرحوم آیة اللَه شیخ مرتضی مطهّری از قول حضرت آیة اللَه حاج سیّد رضی شیرازی دامت برکاته برای حقیر نقل نمود که: در یکی از سفرهای اخیر به عتبات عالیات به یکی از مراجع عظام مشهور و معروف گفتم: چرا شما درس تفسیر را در حوزه شروع نمی‌کنید ؟! گفت: با موقعیّت و وضعیّت فعلی ما امکان ندارد. من گفتم: چرا برای علاّمهٔ طباطبائی

امکان داشت که در حوزهٔ علمیّهٔ قم آنرا رسمی نمود ؟! گفت: او تَضْحیَه کرد. (خود را فدا نمود.)

این مطلب را در اینجا آوردم تا همه بدانند: پایه و اساس مکتب تشیّع بر تضحیه است و علماء عظام و فضلای فخام باید پیشگام در این تضحیه باشند، و گرنه حوزه‌های ما چه فرق میکند با حوزه‌های عامّه از حنابله و شافعیّه و مالکیّه و أحناف که بدون اتّکاءِ به ولایت، خود را سرگرم به ابحاث و مسائلی نموده‌اند![1]

[1] روح مجرد، ص۱۰۶، تعلیقه.